خراسان رضوی

صفحه آخر

دوشنبه
۳ مهر ۱۳۹۶
۴ محرم ۱۴۳۹
۸ صفحه/شماره ۳۶۷۳

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام صادق (ع)

شیطان به سپاهیانش می گوید: میان مردم حسد و تجاوزگری بیندازید چون این دو، نزد خدا برابر با شرک است.

کافی (ط-الاسلامیه) ج۲، ص۳۲۷، ح۲

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
آمدم با دو دست تهی، سوختم به امید روز بهی
چه باشد اگر بر این دل خسته ام مرهم بنهی
نسیم قرب الهی نزدیک نفس های دوستانی
حاضر دل های ذاکرانی از نزدیک نشانت می دهند و بر تر از آنی
از دورت می جویند و نزدیک تر از جانی
ندانم که در جانی یا جان را جانی
نه این و نه آنی جان را زندگانی می باید توآنی.

ایام نامه

مشهد #Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

زهرا کاوه، فرزند شهید کاوه از فرماندهان جنگ تحمیلی با انتشار تصویری از دوران کودکی اش نوشت: تصویر متعلق به این جانب زهرا کاوه در سه سالگی است و برای اولین بار در صفحه خودم به اشتراک می گذارم. برداشت های متفاوتی از این تصویر صورت گرفته و شاید از دلایل رسانه ای شدنش علاوه بر جایگاه خاص پدر شهیدم، نگاه پُر از بُهت و اندوهم و لباس سبزی است که سَمبُلی از جهاد و شهادت است و من به دلیل علاقه به عکس های پدرم و این که در تصاویر به جا مانده اش اغلب همین لباس را پوشیده، اصرار داشتم این رنگ را بپوشم. این روزها که پس از سال ها عبور از چرایی علل خاتمه جنگ، مجددا به بهانه هفته دفاع مقدس شاهد تحلیل های شُبهه روشنفکری هستیم لازم دانستم دو نکته را به عرض برسانم: اول) ما درد یتیمی و فقدان بزرگ ترین تکیه گاه زندگی یعنی "پدر" را با گوشت و خون لمس کرده ایم و آثار آن را تا پایان حیاتمان حس خواهیم کرد. آن چه سبب آرامشمان می شود امنیت و عزت ملت بزرگ و متمدن ایران است. اگر من درد یتیمی را درک می کنم، در عوض امروز ملّتی در زیر چکمه های بیگانگان ذلیل نشدند. این امنیت و آرامش گوارای مردم وفادارمان باد. دوم) هشت سال دفاع مقدس برای ملت بزرگ ایران فقط دفاع از مرزهای جغرافیایی نبود بلکه حراست از مرزهای عقیدتی هم بود. شهدای ما با پیشانی بند هیهات منّا الذله، عاشقانه به معبودشان لبیک گفتند. ما امروز و پس از سال ها شاهدیم که در قلب لیبرال دموکراسی غرب، از جنگ هایی تجلیل و تقدیر می شود که نه برای خدا و نه در راه حسین بن علی(ع)، بلکه برای دنیایشان رُخ داد. غربیان از جنگ جهانی تجلیل می کنند که علت آغازش کشور گشایی و خونریزی بود. شهدای ما برای دفاع از کیان و عزتمان رفتند. در پایان به آن ها که عادت دارند نشخوار جویده غربی ها را بجویند اعلام می داریم کاتولیک تر از پاپ نشوید و حداقل نحوه قدردانی از جنگ را هم از آنان بیاموزید.

رضا کیانیان در نشستی که به مناسبت رونمایی از کمپین «من صدای آب هستم» انجام گرفت، گفت: با مقوله انتقال آب به ویژه انتقال آب دریای خزر به سمنان به شدت مخالف هستیم. تجربه ثابت کرده است که پروژه‌های انتقال آب به فاجعه منجر می‌شود. چنان که اکنون شاهد آن هستیم: هم خوزستان ناراضی است هم اصفهان. نه زاینده‌رود آب دارد نه گاوخونی، نه کارون.
وی درباره نحوه تشکیل کمپین «من صدای آب هستم» گفت: سال گذشته با همکاری فرهنگسرای جوان ارومیه کمپینی تحت عنوان «من دریاچه ارومیه هستم» تشکیل دادیم که بنا بود طی سه ماه با جمع‌آوری یک میلیون امضا، درخواست مردم ایران برای احیای دریاچه ارومیه را به گوش جهان برسانند. سرانجام این کمپین با بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار امضا توانست به هدف خود دست یابد. مجموعه امضاها را به همراه بیانیه‌ای به سازمان ملل بردم که قطعا در پرداخت اعتبارهای جهانی بی‌تاثیر نبود. پس از این موفقیت ملی، به این نتیجه رسیدیم که وقت آن فرا رسیده که مردم درباره آب از دولت و مجلس به طور جدی مطالبه‌گر باشند. «من صدای آب هستم»، یک کمپین مردمی است که با استقبال قابل توجهی روبه‌رو شده است.

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد	کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۱۴۰۰	کیلوگرم	برنج پاکستانی درجه یک	۷۰۰۰	کیلوگرم
سیب زمینی	۱۴۰۰	کیلوگرم	روغن مایع	۵۳۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
پیاز زرد	۱۸۰۰	کیلوگرم	مرغ گرم	۶۱۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۵۵۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۷۵۰۰	کیلوگرم
لوبیا قرمز	۸۲۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۸۰۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی جامد	۲۳۵۰۰	حلب ۵ بدون پالم			

به روایت تاریخ

غلامرضا آذری خاکستر

تعدادی از معلمان و دانش‌آموزان دبستان فردوسی، یکی از مدارس نوین مشهد - سال ۱۳۱۶ ش

یادی از بانیان نخستین مدارس نوین مشهد

از همت تا فروغ

زنگ مدارس ابتدای این هفته به صدا درآمد تا آغاز یک سال جدید تحصیلی دیگر رقم بخورد اما قرن‌هاست در آغاز هر پاییز، سنگ‌فرش خیابان‌ها زیر گام‌های کودکانی می‌رود که شادمانه مسیر مدرسه را پیش گرفته‌اند. قریب به یک قرن از ایجاد مدارس نوین در ایران می گذرد و کودکان زیادی پشت این میز و نیمکت‌ها الفبای زندگی را فراگرفته‌اند. به‌روایت تاریخ، تاسیس مدارس نوین با مشقت‌هایی همراه بوده است. مثلا در گذشته برخی از مردم با تحصیل و حضور فرزندانشان به خصوص دختران در مدارس نوین مخالفت می کردند که این امر متاثر از دیدگاه‌های حاکم بر آن دوران بود. با وجود این مدارس نوین راه خود را پیدا کردند و به فعالیت در این عرصه ادامه دادند و در طول سالیان، دانش‌آموزان زیادی را تربیت و روانه مسئولیت‌های اجتماعی بزرگ و کوچک کردند. یک مهر دیگر و یک آغاز دیگر، بهانه‌ای شد برای معرفی اولین بانیان ایجاد مدارس در شهرمان:

● دست‌بنیان گذار مدرسه را شکستند

نخستین حرکت برای تأسیس مدرسهٔ جدید در مشهد را میرزا حسن رشدیه کلید زد. وی در سال ۱۳۰۵ ق به مشهد آمد و آستین همت را برای آموزش کودکان این شهر بالا زد. به گواه سجلی اش در سال ۱۲۷۶ ق در تبریز به دنیا آمد و پس از آموزش مکتب‌خانه‌ای و تحصیل معارف عربی و صرف و نحو در ۲۲ سالگی پیشنماز یکی از مساجد اطراف تبریز شد. وی از سال ۱۲۹۸ ق وارد دارالمعلمین بیروت شد و به تحصیل اصول تعلیم و تربیت پرداخت. رشدیه پس از بازدید از مدارس جدید استانبول در سال ۱۳۰۰ ق به ایران رفت و در آن جا برای ایرانیان، نخستین مدرسه نوین را بنا نهاد. بعد از مدتی به تبریز مراجعت و در آن جا نیز مدرسه نوین را ایجاد کرد ولی با مخالفت‌هایی روبه‌رو و مجبور شد چند مرتبه به مشهد بیاید تا در این شهر مدرسه‌ای تاسیس کند. رشدیه در مشهد مدرسه‌ای بزرگ دایر کرد، اما هنگامی که از تبریز شرح‌خدادهاو کارهای وی به مشهد رسید، اوباش و عوام ریختند و مدرسه رشدیه را غارت و خود او را نیز مصدوم کردند و دستش را شکستند. حاکم و صاحب‌دیوان مشهد از رشدیه دلجویی و زمینه مداوایش را فراهم کرد و او را روانه شهرش ساخت. از نام مدرسه‌ای که رشدیه در مشهد تأسیس کرد، هیچ اطلاعاتی در دست نیست.

● اولین مدرسه جدید

بعد از تلاش رشدیه، گروهی بر آن شدند تا راه او را ادامه دهند که از پیشگامان این امر می‌توان به شیخ محمدعلی مدیر (مدیریان) اشاره کرد و مدرسه همت را می‌توان اولین مدرسه جدید مشهد برشمرد که در سال ۱۳۱۲ ق به اهتمام شیخ محمدعلی مدیر در صحن عتیق آستان قدس رضوی برپا شد. این مدرسه هر چند شکل و سامان مدارس جدید را نداشت، اما به سبب مواد درسی جدید که تدریس می‌شد، آن را اولین مدرسهٔ جدید خوانده‌اند. شیخ محمدعلی مدیر بعد از انحلال مدرسهٔ همت، در سال ۱۳۱۵ ق یک باب مدرسهٔ چهار کلاسه در محله گندم‌آباد مشهد تأسیس کرد. ملک الحکما در سرگذشت نامه خود آورده است: «دو سال قبل از آن که دولت مشروطه شود، در ارض اقدس سه باب مدرسه ابتدایی به طرز جدید از قرار پروگرام وزارت جلیله علوم به نام مدرسه مظفریه و همت و ادب تأسیس نمودم.»

● نیمکت‌هایی برای دختران

بعد از انقلاب مشروطهٔ ایران، در شرایطی که مقاومت‌هایی برای تحصیل بانوان وجود داشت، یکی از بانوان فرهنگ دوست در شهر ما اقدام به تأسیس مدارس دخترانه کرد. بانو فروغ السلطنه آذرخشی از جمله زنانی است که اولین مدارس دخترانه را در شهر مشهد بنیان گذاشت و با تمام سختی‌هایی که فراروی وی بوده، شاگردان زیادی تربیت کرده است. فروغ السلطنه آذرخشی دختر قهرمان میرزا قاجار و صغری خانم (بی‌بی‌جان) و جد پدری‌اش مرحوم شجاع السلطنه پسر فتحعلی‌شاه قاجار بود. وی در سال ۱۲۶۰ ش در روستای ازغند از توابع تربت حیدریه متولد شد و به همراه خواهرش بانو در مکتب‌خانه‌ها خواندن و نوشتن را فرا گرفت. فروغ در ۱۷ سالگی با سرتیپ علی اکبر خان اهل تفلیس روسیه و رئیس تلگراف خانهٔ روسیه در مشهد ازدواج کرد که حاصل آن چهار پسر و سه دختر بود. در مشهد تا دههٔ سوم زندگی فروغ آذرخشی مدرسه‌ای وجود نداشت؛ بنابراین وی به فکر باز کردن مدرسه و با سواد کردن بچه‌های خود و دیگران افتاد. وی این اندیشه را با همسرش در میان گذاشت و پس از چند جلسه صحبت، با همیاری افرادی چون حاج مرتضی قهرمان میرزا متخلص به شکسته، اولین مدرسهٔ دخترانه مشهد شکل گرفت. کار ساختمان مدرسه از سال ۱۲۹۰ ش شروع و تکمیل آن بیش از سه سال طول کشید. عزیز الملوک آذرخشی دختر فروغ علاوه بر تحصیل در اولین دبستان دخترانه مشهد معلم این مدرسه بوده. وی در توصیف ساختمان مدرسهٔ فروغ نوشته است: «ساختمان مدرسه با ارتفاع کم، از زمین و دارای پنج اتاق با پنجره‌های نیمه چوب و نیمه شیشه با نور کافی، روبه‌روی باغ ساخته شد و از ساختمان، راهرو عریض و تاحدی طولانی کشیدند که حیاط بزرگ را به حیاط کوچک که به کوچه در داشت وصل می کرد. برای ورود به مدرسه باید از کوچه به حیاط کوچک‌تر وارد شد و از همان راهرو به حیاط بزرگ و ساختمان مدرسه رسید. در حیاط کوچک، اتاق مدیر مدرسه قرار داشت و پهلوی آن تا رسیدن به راهرو، یک اتاق دیگر و در طرف مقابل، سه اتاق و یک مستراح ساخته شده بود. اتاق سوم، متعلق به فراش مدرسه بود که صندوق خانه هم داشت. حوض آبی با دو باغچهٔ متوسط در وسط این حیاط بود». خبر تأسیس مدرسه فروغ، در شهر پیچید. مخالفان پس از شنیدن خبر تأسیس مدرسه، بهانه به دست آورده، شروع به تهدید کردند و سفارش و پیغام برای شاهزاده می‌فرستادند که مدرسه را ببندید و گرنه آن را آتش می‌زنیم و خراب می کنیم.... از طرفی شاهزاده مرتضی میرزا در روزنامهٔ پرخوانندهٔ خود (توس)، حملات سختی به این گروه می کرد و همه‌روزه مردم را در جریان خبرها می گذاشت. با همهٔ تهدیدها، مدرسه باز بود و معلمان و مدیر مدرسه به کارها می‌رسیدند. این مدرسه در سال ۱۲۹۶ ش پنج کلاس و هفت آموزگار داشت. دبستان فروغ در ابتدا با سه دانش‌آموز در کلاس اول و چهار دانش‌آموز در کلاس دوم، کار خود را آغاز کرد و به‌تدریج کلاس‌های سوم، چهارم و پنجم هم دایر شد. فروغ که تا آن زمان برای برگزاری مراسم افتتاح رسمی مدرسه فرصت پیدا نکرده بود، در سالروز تولد پیامبر اکرم (ص)، جشن مفصلی را به عنوان افتتاحیه مدرسه برگزار کرد. با گسترش فعالیت‌های آموزشی، این دبستان به‌تدریج با کسری بودجه و کمبود امکانات روبه‌رو شد. از این رو، شرکت فرهنگیان خراسان برای تداوم کار فروغ، به پرداخت اعانه و کمک هزینه به دبستان اقدام کرد. پس از تأسیس دبستان فروغ، وی در سال ۱۲۹۸ ش، دبستان دیگری را تأسیس کرد و سرپرستی آن را به خواهرش بانو قهرمانی واگذار کرد. فروغ در مسیر راه‌اندازی و ادارهٔ مدرسه با مشکلات زیادی دست به گریبان بود. در کنار مشکلات مالی که از طریق شهریه‌های دانش‌آموزان و دریافت ماهیانه ۳۰ تومان از شرکت فرهنگیان تأمین می‌شد، بسیاری از افراد متعصب، به شیوه‌های گوناگون وی را تهدید می کردند و از ادامه کار می‌ترساندند؛ ولی او کار خود را با پشتکار ادامه داد و در مقابل مخالفان ایستادگی کرد و به‌خاطر جلوگیری از شورش و فتنه، از گرفتن جشن افتتاحیه خودداری کرد. پس از چندی کلاس‌های سوم، چهارم و پنجم دایر شد و از دانش‌آموزان پنجم در اولین سال امتحانات نهایی گرفته شد و هفت داوطلب این بخش قبول شدند. در چهارمین سال تأسیس، کلاس ششم دایر شد و بعد از سه سال، سیکل اول و دبستان با هم اداره می‌شدند ولی مدرسه همیشه دچار کسری بودجه بود. در سال ۱۳۰۴ ش شمار شاگردان مدرسهٔ فروغ ۱۴۵ نفر بود و مدرسه به صورت شش کلاسی اداره می‌شد. در سال ۱۳۰۵ ش تعداد شاگردان مدرسه فروغ حدود ۱۶۹ تن شد که ۲۷ نفر از آن‌ها به رایگان تحصیل می کردند. تعداد دانش‌آموختگان مدرسه نیز تا این سال حدود ۱۹۳ نفر و آموزگاران مدرسه ۹ نفر بود. در آخر خرداد ۱۳۰۹ ش این مدرسه دارای شش کلاس ابتدایی و کلاس اول متوسطه بوده است. در سال ۱۳۱۱ ش، فروغ با کمک ادارهٔ معارف خراسان، تقاضای صدور مجوز گشایش کلاس‌های کامل متوسطه را مطرح کرد. در سال ۱۳۱۳ ش، کلاس‌های دوم و سوم دبیرستان به آن افزوده شد. مدرسهٔ فروغ همواره تعدادی دانش‌آموز را به صورت شبانه‌روزی و رایگان تعلیم می‌داد. آنان دانش‌آموزان بی‌بضاعتی بودند که آستان قدس رضوی، هزینهٔ تحصیل و زندگی شان را تأمین می کرد. در سال ۱۳۰۹ ش، ۱۳ نفر و در سال ۱۳۱۰ ش، ۱۰ نفر به این صورت در مدرسهٔ فروغ به تحصیل اشتغال داشتند. در سال ۱۳۳۵، به مناسبت چهلمین سال تأسیس مدرسه فروغ و بازنشستگی فروغ السلطنه، طی روزهای دوشنبه نوزدهم و سه‌شنبه بیستم آذرماه، مراسم جشنی در دبیرستان فروغ آذرخشی برگزار شد و از خدمات خانم فروغ آذرخشی تقدیر به عمل آمد. وی بعد از بازنشستگی، اواخر عمر را بیمار بود. فروغ آذرخشی سرانجام بعد از یک عمر خدمات آموزشی در ۱۹ دی ۱۳۵۷ در مشهد فوت کرد.

یکی از مدارس رشدیه

منابع:
* قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷) مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان. تهران: نشر دانشگاهی، صص ۱۹۰-۱۸۸
* آقاملایی، ایرج. (۱۳۸۴) تاریخچه آموزش و پرورش نوین مشهد، مشهد. مرندیز. ص۶۲
* قاسمی پویا، مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان، ص۴۱۱
* محبوبی اردکانی، حسن (۱۳۷۶) تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. به کوشش کریم اصفهانیان، جهانگیر قاجاریه. جلد ۱. تهران: دانشگاه تهران، ص۴۱۲
* آذری، علی (بی‌تا) قیام کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان. تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه. ص۳۵۵
* روزنامه دادگستران، سال اول شماره ۷۵، ص ۱.
* آذرخشی (شیبانی)، عزیز الملوک (۱۳۸۷). سرگذشت ما فروغ زندگی: حرکت در مسیر تندبادهای اجتماعی. تهران: نارمک. ص۲۵
* قاسمی پویا، مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان. ص۴۱۴
* قاسمی پویا، ص۴۱۵
* مرکز اسناد آستان قدس رضوی سند ۱/ ۹۷۱۸۷
* روزنامه خراسان، ۱۶ آذر ۱۳۳۵

قاب روز

صرفا جهت اطلاع آقای استاندار:

سال ۹۶، سال «اقتصاد مقاومتی - تولید و اشتغال» نام‌گذاری شده است

یادداشت

دکتر حسین سلاح‌ورزی

رئیس کانون کارآفرینی ایران

الزام‌های ذهنی و اجرایی توسعه کارآفرینی

کارآفرینی مقوله‌ای مدرن است و با الزام‌های دوره مدرن مطابقت دارد و از جمله پدیده‌های بالنده در دنیای امروز به حساب می‌آید که از مقوله‌های سنتی ایجاد درآمد و شغل فاصله قابل توجهی دارد.
این مقوله مدرن، روزآمد و رو به رشد بیش از هر چیز با عنصر رقابت و اقتصاد در قابتی سازگاری دارد و از الزام‌های کارآفرینی نیز همین پیوند است. اقتصاد ایران متاسفانه مشکلات و دشواری‌های ساختاری قابل تاملی دارد و عملا در درون این ساختار نمی‌توان انعطاف لازم و کافی را برای برون‌رفت از مشکلات پرشمار جست‌وجو کرد. در حقیقت گره‌گشایی نشدن از این مشکلات، باعث شده که تبعات آن دامنگیر بخش‌های مختلف شود و امر توسعه را در حوزه‌های گوناگون با چالش مواجه سازد.
یکی از راه‌های بیرون کشیدن کسب و کار ایرانیان از شرایط سخت امروز، روی آوردن به مقوله کارآفرینی است که البته نیازمند ساختارهای جدید و فراهم آوردن زیرساخت‌های آن است. کارآفرینی بیش و پیش از هر چیز با باز شدن ذهن آدمی و ذهنیت جامعه‌ها گره خورده است و برای عبور اقتصاد ایران از سنت‌های غیرکارآمد و پیوند خوردن با دنیای کارآفرینی باید جامعه را آماده و پویا کرد. جامعه‌ای که خود همراه و هم‌گام با این ساختار باشد، سریع‌تر در مسیر توسعه قرار می‌گیرد.
متاسفانه در دوره‌ای که منابع مالی برای توسعه کارآفرینی وجود داشت، به دلیل فقدان دانش روز و رفتارهای سیاسی به بیراهه رفتیم. طرح شکست خورده بنگاه‌های زودبازده که در سال ۱۳۸۵ در دستور کار دولت نهم قرار گرفت و حدود ۲۰ میلیارد دلار از منابع کشور را هدر داد، نمونه‌ای از این جنس فرصت‌سوزی‌ها بوده است.
هم اکنون نیز، برخی تصمیم‌های اجرایی که برای توسعه کارآفرینی در نهادهای گوناگون در جریان است، اگر با دانش روز و الزام‌های کارآفرینی مدرن همراه نشود، با احتمال شکست مواجه خواهد بود. فضای امروز کارآفرینی در دنیا، اقتضائاتی دارد که باید به خوبی شناخته شود.
در دنیای امروز «استارت‌آپ‌ها» عالی‌ترین نمود کارآیی، کارآمدی و روزآمدی در توسعه کارآفرینی به حساب می‌آیند. استارت آپ‌ها برخلاف تصورات رایج در بین برخی از مدیران ایرانی، وظیفه ایجاد اشتغال جدید به معنای سنتی آن را بر دوش نمی کشند و یک مقوله نو و پویا به حساب می‌آیند که اگر به درستی توسعه پیدا کنند، می توانند ذیل خود گستره بزرگی از مشاغل جدید را فراهم آورند. نوآورانه بودن، جذب سریع مخاطب و نیاز به سرمایه نسبتا کم (در مقایسه با روش‌های سنتی ایجاد کسب‌وکار) از جمله ویژگی‌های استارت‌آپ‌هاست.
استارت‌آپ‌ها کانون‌های جوشان نوآوری، ارائه کالا و خدمات قابل مبادله هستند که می‌توانند در ایران نیز برای یک بار هم که شده از مقوله سیاست، خرید محبوبیت و هدر دادن سرمایه‌ها دور شوند و در یک مسیر نو و مترقی به حرکت درآیند. کارآفرینی از جنس استارت‌آپ‌ها را می‌توان پایه‌ای برای امور گوناگون قرار داد که در واقع اشتغال پایدار و ثابت نیز از درون آن فراهم می‌آید.
آیا نهاد دولت با همه گرفتاری‌هایی که اکنون دارد می‌تواند در مسیر توسعه کارآفرینی دخالت و نقش آفرینی جامعی داشته باشد؟ آیا می‌تواند آن رشدی را که انتظار می رود با متولی‌گری کامل در این بخش محقق سازد؟ به نظر می‌رسد این اتفاق نمی‌افتد و نباید هم دخالت دولت را در این مقوله انتظار داشت، چرا که جایی در این بحث ندارد. دولت می‌تواند به جای دخالت‌های غیرضروری در فضاهای گوناگون مثل عرصه اشتغال، راه کارآفرینی را هموار سازد. در حقیقت دولت اگر جایگاه و نقش خود را در عرصه حمایتی تقویت سازد، به این روند کمک بیشتری می کند.
اما با توجه به مطالب مطرح شده باید پرسید، این مسیر توسعه کارآفرینی نوین چگونه هموار می شود؟ برای تحقق اهداف در این بخش، چه الزام‌هایی وجود دارد؟ و فراهم‌سازی کدام زیرساخت‌ها لازم است؟
همان‌طور که پیش از این تاکید شد، ایجاد ذهنیتی نو در جامعه به مقوله کارآفرینی کمک شایانی می کند. برای این منظور باید از یکسان‌پنداری کارآفرینی با مقوله اشتغال پرهیز کرد. یک زیرساخت دیگر برای توسعه کارآفرینی این است که بستر تعاملات جهانی و انتقال تجربه‌های موفق باز شود و مانع از توسعه تعاملات حوزه کارآفرینی با زیرساخت‌های بین المللی نشویم. یک بستر مورد نیاز دیگر، هموارسازی مسیر داد و ستدها برای بنگاه‌های کارآفرین است تا محصولات خود را بتوانند در گستره وسیع‌تری عرضه کنند. همچنین باید موانع قانونی مرتفع و از بعضی دخالت‌ها و کارشکنی‌ها در نهادهای دولتی اجتناب شود. همچنین نهادهای تامین مالی در ایران مثل بازار سرمایه، بانک‌ها و... نباید در چارچوبی انحصاری باقی بمانند و راه ورود کارآفرینان به آن‌ها مسدود شود. در حقیقت بخشی از فضای سرمایه‌ای ما باید به کسب و کارهای نوآورانه و دارای ریسک اختصاص یابد چرا که بخشی از توسعه از این مسیر محقق می شود. این اتفاقی است که دیر یا زود رخ می دهد کارآفرینان ما به منابع مالی جدید نیاز پیدا می کنند و نباید محدودیت‌های قانونی و منسوخ شده، راه را بر آن‌ها در این بخش ببندند. نهضت کارآفرینی همان‌طور که در دنیا راه خود را باز کرده است و جلو می‌رود در ایران نیز اتفاق می افتد و ما باید به جای مقابله با آن، بسترسازی‌های لازم را انجام دهیم.
همراهی و همگامی با این بخش، قطعا در آینده نفحات و برکات خود را در عرصه اقتصاد کشور نشان می دهد.